

کنفرانس فاضل محترم  
اقامیرزا حبیب الله خان آموزگار  
زبان فارسی امروز

شیرینی زبان فارسی که امروزه مورد تصدیق تمام خارجیان و خود ما می باشد بواسطه اختلاط با لغات عربی است. اکثر تمام ماها اقرار بشیرینی و امتیاز آن نکنیم برای اینست که چون زبان مادری ما است کمتر بحلاوتش بر خورده و شیرینیش را احساس می کنیم این اختلاط گرچه بنظر وطن پرستی و استقلال ملی ناپسند و گران میاید ولی باندک تأملی معلوم میشود که اختلاط لغت و آلهام امری است عادی و هیچ زبانی در دنیای امروز که مربوط بمملحیه باشد خالی از خلط و مزج نمیباشد چنانکه زبانهای فرانسه و انگلیسی و آلمانی مخلوط از لغات لائینی و عربی و مغولی می باشد و صاحبان آن زبانها خم بابر و یشان نیامده و اختلاط زبان را نقص برای زبان و تنگی برای ملت خود نمیدانند باین هم اکتفا نشده در اغلب زبانها لغاتی است که بدون هیچ تغییری یا اندک تحریفی استعمال میشود مانند سمور و واکن و اسامی دواها و لغات علمی مخصوصاً طبی که اغلب یکی است و جزء لغات اهلی هر زبان محسوب است نهایت امتیاز آن بهمان تحریفات مختصر و تغییرات اندک است که معلوم میدارد مثلاً این تلفظ فرانسه است و این تلفظ انگلیسی یا آلمانی

همینطور زبان عرب که وسیعترین زبانهای حیه دنیا است با آنهمه وسعت که تا کنون توانسته در مقابل السنه ملل راقیه مقاومت کند مقداری زیادی لغات فارسی و هندی و مغولی و یونانی و مصری دارد که مخصوصاً لغات فارسی آن خواه ماخوذ قبل از اسلام و خواه بعد از اسلام از دو هزار متجاوز است.

و اگر بنیای محاسبه و جمع و تفریق هم باشد ما هم بیشتر از سه هزار لغت بدون مشتقات از زبان عرب در زبان خود نداریم و البته زبان ما با آنهمه فقر و نیازمندی

و زبان عرب با آنهمه وسعت و بی نیازی ارزش دارد و جای تأثر و اعتراض ندارد که تفاوت در هزار لغت باشد در صورتیکه این موضوع قدر مسلم بود و گرنه مطابق دلائل و قرائن اگر بخواهیم از قدر مسلم گامی فراتر نهمیم می توانیم تا سه هزار لغت فارسی هم در زبان عرب معتقد شویم که برابر شویم و حساب تفریق شود ولی داعی بر اینکه از قدر مسلم دست برداشته و دنبال اقوال ضعیفه برویم نداریم

پس بطور کلی معلوم است که زبانها اغلب بیکدیگر مقروض و یا از یکدیگر طلب کارند و بمرور زمان ممکن است دین خود را ادا کرده یا مادام الحیات طلب کار و بدهکار هر دو بصفه خود باقی باشند بدون آنکه برای طلب کار فخری یا برای بده کار عاری باشد.

گذشته از این هر گاه بنا باشد لغات اجنبی از میان لغات بومی خارج شود چندین زبان بکلی از میان رفته و متکلمین آن باید با اشاره صحبت کنند که فرد کامل آن زبان ترکی اسلامی است که مشحون از فارسی و عربی است و اگر ملت ترکیه امروزه بخواهد لغات اجنبی را خارج کند چیزی باقی نمی ماند و فارسی هم در درجه دوم همین حالت را خواهد داشت خاصه که لغات پهلوی و استانی را اگر بخواهیم امروزه وارد زبان فارسی نسیم بیگانگی آنها بمراتب بیشتر و شدیدتر از لغات فعلی عرب است که در فارسی فارسینه شده است تنها نکته مهم آنست که باید لغات عربی مستعلمه در فارسی معمولی طبقات دوم معیشت و در ادارات و جرائد را لغت فارسی دانست و تغییرات و تحریفاتی که با اضافه یا بنقصان و یا به تبدیل حرکات در آن معمول شده بهمان حال باقی بگذاریم نهایت در تحت اسلوب و قاعده قرار دهیم که لازمی مطلق برای استعمال آن نباشد - خاصه در مورد لغاتی که اساساً معنی اولیه خود را از دست داده و معنی ثانوی در زبان فارسی پیدا کرده است مانند



کلمه ضرب و هودی و مستراح و غیره و یا اشتقاق آن عربی نیست مانند کلمه قضاوت و دخالت که عرب استعمال نمی کند و کلمه (مساعده) که معنی یول پیشکی دارد ولی مساعدت معنی کمک کردن است و یا مصاحبت که بمعنی همراه بودن و مصاحبه که بمعنی ملاقات و باهم صحبت کردن است در صورتیکه این دو کلمه را باآء کشیده عرب نمی نویسد و حتی در معنی هم اختلاف دارند و از این قبیل لغات بسیار است .

### (فرهنگ زبان فارسی)

اینکه تا کنون از ایرانیان کسی موفق بنوشتن فرهنگ فارسی نشده علت همانا وجود لغات فارسی شده عرب است که باختلاف زمان و مکان استعمال و تلفظ و حتی نوشتن آنها مختلف است و هیچ ایرانی بافهم و شعوری نمیاید خود را دچار انتقاد هم و طنان کرده و فرهنگ زبان فارسی بنویسد در حالیکه نمی داند مثلا کلمه ضرب مساعده - لا ابالی - مستراح و از این قبیل هزارها لغات را چگونه معنی کنند و کدام معنی لغوی و اصطلاحی را برای آنها بنویسد و یا آنکه : طپیدن - طپانچه - صد - شت - صندلی را با آء و سین می تواند بنویسد یا نه - یا آنکه عضمی و تقاضای و مبذی را اگر بالف نوشت دوچار حمله و انتقاد نمی شود که اقاشما چرا دخالت در زبان بك ملت کرده و تنها بمنزله (اکادمی) مجلس وضع لغت برای ما شده اید ؟

اما دیگران مخصوصا هندیها هرگز مورد این گونه مطاعن و انتقادات واقع نمی شوند زیرا از ملت اجنبی همین قدر هم که لغات شعری یا تاریخی و متروک زبان ما را طبع و تفسیر کرده و انتشار میدهند باید تشکر کنیم و اگر هم سهو و نسیان یا اشتباهی کرده یا لغاتی را از قلم انداخته معذور داریم

که او اهل این زبان نیست و حق حمله و اعتراض نسبت با و نداریم ولی نسبت بخودی انهم نویسندگان امروز انهم زبان فارسی امروز حق همه نوع انتقاد داریم .

بنا براین راه چاره آنست که مجامع ادبی و انجمن های علمی چه آنچه موجود است و چه باید موجود کرد تصمیمات متحده با تبادل فکر و نظر بگذر اتخاذ کرده و پس از دو سال صرف وقت و مطالعه نتیجه تصمیم متخذ خود را بوسیله وزارت معارف تسلیم دولت نمایند تا برطبق ان از مجلس شورای ملی که امروزه جانشین مجلس وضع لغت می تواند بشود قانونی راجع باصلاحات لغات فارسی وضع و تدوین شود انگاه لغات مسلمه و موضوعه را رسمی و قانونی دانسته و برطبق ان اعلان کنند سپس فرهنگ نویسان با کمال اطمینان و آسانی می توانند برای زبان فارسی فرهنگها نوشته و هر سال آنچه داخل باوضع شد بران اضافه کنند .

این نکته نیز نا گفته نماند که بیرون کردن لغاتیکه سابقاً اجنبی محسوب شده و یا مشتق از زبان بیگانه است که ادباء و شعرا و نویسندگان مادر هزار سال استعمال کرده اند امروزه جزء زبان فارسی است و اصلاحات کلمات بیگانه محسوب نمی شوند و اقایانهم رنگ بیگانهگی بان لغات ندادم و محضاً لله زبان مارا که فقیر است فقیر تر نکنند که از میان میرود بلکه روز بروز در بی نیازی ان بکوشند .

### رباعی

گاهی ز بد زمانه مینالیدم

چندی بخود از غرور مینالیدم

فهمیدم آنچه را نمی فهمیدم

این هر دو گذشت چون نکو سنجیدم